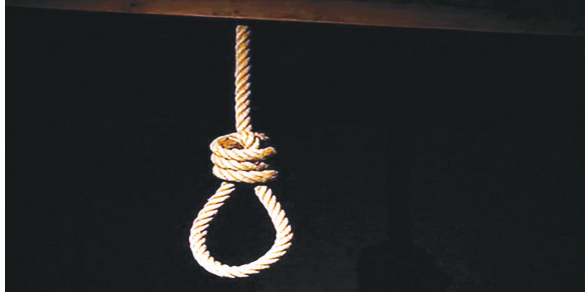


**گروه حوادث** - این حادثه هولناک که آسیب‌های اجتماعی تلخی را نیز در زیر پوست شهر نمایان کرد، هجدهم فروردین سال ۹۵ زمانی اتفاق افتاد که دو جوان برای استعمال مواد افیونی وارد یکی از «پاتوق‌های سیاه» در منطقه محمدآباد مشهد شدند.

زن جوان که شوهری معلول داشت، منزلش را به پاتوقی بسرای مصرف مواد مخدر تبدیل کرده بود تا از این راه درآمدی هم کسب کند.

این زن جوان به همراه دختر ۱۳ ساله اش تا پاسی از شب در کنار معناتان بیدار می‌ماند و با چای آن‌ها پذیرایی می‌کرد. اما آن شب هولناک، ماجرا به گونه‌ای دیگری رقم خورد و حادثه‌ای خونبار، سرنوشت اهالی «پاتوق سیاه» را تغییر داد. گزارش‌ها حاکی است، علی به همراه جوان معناد دیگری که از ساعتی قبل به درون «پاتوق» قدم گذاشته بودند، غرق در استعمال مواد مخدر شدند. عقربه‌های ساعت از نیمه‌های شب گذشته بود که ناگهان سه جوان دیگر وارد پاتوق شدند. «علی» که با دیدن دوستان تازه واردش، متعجب و حیران به آن‌ها می‌نگریست،



ابزار استعمال مواد را روی زمین گذاشت و به آن‌ها اعتراض کرد که چرا با کفش وارد خانه شده‌اند! اما کسی به حرف‌های او توجه نکرد چرا که دوستان «علی» مدتی بود که برای یافتن او زمین و زمان را به هم دوخته بودند. طولی نکشید که با فریاد ابراهیم (یکی از جوانان تازه وارد) که چرا خود را مخفی می‌کنی؟ درگیری یقه به یقه شروع شد و کشمکش‌ها بالا گرفت. در این میان ناگهان «علی» تیغه چاقویی را بر قفسه سینه ابراهیم فرود آورد و او را خون آلود نقش بر زمین کرد. همه‌همه عجیبی بین پاتوق نشینان به راه افتاد. خون از سینه ابراهیم روی فرش می‌ریخت و دیگران از شدت وحشت جرئت انجام کاری را نداشتند. آن‌ها فقط حیرت زده و با چشمانی از حلقه بیرون زده به این صحنه هولناک می‌نگریستند که «علی» با دیدن این شرایط، پا به فرار گذاشت. دیگران که لحظاتی بعد به خود آمده بودند پیکسرخون آلود ابراهیم را به بیمارستان امدادی رساندند، ولی او جان خود را از دست داد. از سوی دیگر تعدادی از اهالی و اطرافیان ابراهیم که متوجه ماجرا شده بودند در حالی به تعقیب متهم فراری

حادثه رسیدند. متهم فراری که دیگر همه راه‌های گریز را بسته می‌دید و می‌دانست که اگر چند قدم بیشتر بردارد هدف کلوله همین حال نیروهای کلانتری مصلا می‌شهد نیز که از طریق تماس شهروندان سا پلیس ۱۱۰، در جریان ماجرا قرار گرفته بودند، کوچه محل وقوع جنایت را به محاصره درآوردند و با پاری اهالی (متهم به قتل) به قاضی احمدی نژاد گفت: اظهارهای قانونی، از منتهم فراری خواستند تا خود را تسلیم کند، اما او همچنان به فرار ادامه داد تا این که شلیک‌های هوایی پلیس، این ماجرا را در حالی وارد مرحله جدیدی کرد که نیروهای اداره جنایی پلیس آگاهی خراسان رضوی نیز به محل

# ماجرای قتل در «پاتوق سیاه»

جوانی که چهار سال قبل در نزاعی به خاطر سهمیه مصرفی مواد مخدر دوستانش، جنایتی هولناک را در یک «پاتوق سیاه» رقم زد، سپیده دم یک شنبه گذشته در زندان مرکزی مشهد به چوبه دار سپرده شد و به مجازات رسید.

بگردند ولی نمی‌دانم چگونه مرا در پاتوق آن زن پیدا کردند و اوایل بامداد به طور ناگهانی وارد خانه شدند! با همین دلیل درگیری می‌ما شروع شد که من هم با چاقو ضربه‌ای به سینه‌اش زدم، اما قصد کشتن او را نداشتیم! فقط می‌خواستم از جنگ آن‌ها فرار کنم! و ...

مناطق مختلفی روی می‌دهد. او گفت: من در کنار مادرم باید بیدار می‌ماندم تا از معناتان پذیرایی کنم! وقتی قاضی ویژه پرونده‌های جنایی، اظهارات تکان دهنده دختر ۱۳ ساله را شنید، دستور داد برای پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی دیگر، دختران این زن جوان تحت پوشش مراکز امدادی و حمایتی قرار گیرند. به این ترتیب پرونده جنایت در «پاتوق سیاه» به شعبه پنجم دادگاه کیفری یک خراسان رضوی ارسال شد و مهمی ماه میز محاکمه ایستاد. در جلسات دادگاه که به ریاست قاضی بنده‌ای (رئیس وقت دادگاه) و مستشاری قاضی شجاع پور فدکی برگزار شد، متهم

یک خانه زندگی می‌کنیم، اما نسبت به خودکشی مادرم تردید دارم. مادرم زنی سرزنده و شجاع بود و هیچ وقت به خودکشی فکر نمی‌کرد. البته چند وقتی است که برادرم حامد اعتیاد پیدا کرده بود و مادرم را مدام اذیت می‌کرد. در ادامه حامد دوباره با زوجی شد و اظهارات خواهرش را رد کرد و گفت: من خودم مأموران پلیس را خبر کردم. مهدیه دروغ می‌گوید که من با مادرم دعا می‌کردم. ما با هم اختلافاتی داشتیم، اما من هیچ وقت با او درگیر نشدم و هیچ نقشی هم در مرگ مادرم ندارم. بسا این حال با زوجی‌ها از حامد ادامه یافت و در نهایت ناچار به اعتراف

## درخواست دختر مقتول از قاضی

چون معتادی، دوست ندارم پولی به دست برسد. این جواب او موجب عصبانیت شد به بیکاره مادرم راه اهل دامه که سرش به دیوار راه پله خورد و افتاد. بی توجه به این اتفاق به اتاق رفتم و چند ساعتی خوابیدم، اما وقتی بیدار شدم، دیدم مادرم همانجا افتاده و نفس نمی‌کشد. همان موقع از ترسم تصمیم گرفتم مرگ او را با صحنه‌سازی خودکشی جلوه بدهم. من قصد کشتن مادرم را نداشتیم، فقط او را اهل دامه، چون با من گلایز شده بود.

شد و گفت: چند سال پیش از همسر جدا شدم و به خانه مادرم برگشتم و با مادر و خواهرم زندگی می‌کردم تا اینکه اعتیاد باعث شد بین ما اختلاف به وجود بیاید. مدتی قبل از حادثه متوجه شدم مادرم خانه‌اش را به نسام خواهرم کرده تا بعد از مرگش به من ارثی نرسد. آنقدر از این موضوع ناراحت شدم که همه زندگی‌ام بهم ریخت. به خاطر پول و ارثیه پول نرسودم از اینکه مادرم من را لایق ارثیه نمی‌دانست، ناراحت شدم. روز حادثه وقتی در خانه تنها بودیم، سر این موضوع با مادرم درگیر شدم و به او گفتم حق نداشت بدون اجازه من چنین کاری را انجام دهد مادرم گفت،

مهران در او قفل و به من تعرض کرد. پس از اظهارات ششای نوجوان تحقیقات در خصوص شناسایی متهم آغاز و مشخص شد که او صاحب بوتیک مورد نظر نبوده و تنها به‌عنوان شاگرد در آنجا فعالیت می‌کرده و روز جمعه با توجه به خلوت بودن پاساژ به‌دلیل شیوع بیماری کرونا تا فرصت استفاده کرده و دختر نوجوان را مورد آزار و اذیت قرار داده است. قاضی پرونده پس از شنیدن اظهارات ششای دستور بازداشت متهم را صادر کرد.

وقتی اولیای دم برای بیان درخواست خود به دادسرا احضار شدند، برادران متهم اعلام گذشت کردند و گفتند شکایت ندارند. اما خواهر متهم درخواست قصاص کرد. او گفت: مادر من زن زحمتکشی بود او به سختی خانه خریده بود و بعد از پدرم به سختی ما را بزرگ کرد. خانه را به نام من کرده بود، چون می‌ترسید برادرم به خاطر اعتیادش خانه را از ما بگیرد و بفروشد و بعد از مرگش من آواره خیابان شوم. من خواهان قصاص برادرم هستم و حاضر به گذشت نیستم. بسا توجه به شکایت این دختر و همچنین درخواست قصاص او، پرونده برای رسیدگی به شعبه ۱۰ دادگاه کیفری استان تهران فرستاده شد و متهم بزودی محاکمه می‌شود.

گروه حوادث - زن میانسال که یک سال و نیم از خواهرش بی‌خبر بود پس از شکایت به پلیس او را در مرکز نگهداری سالمندان پیدا کرد. زن گمشده در خانه سالمندان پیدا شد. چندی قبل زن میانسالی به پلیس رفت و تا ناپدید شدن خواهرش خبر داد و گفت: خواهرم کارمند بازنشسته است و به تنهایی زندگی می‌کند. ما معمولاً کمتر به ملاقات هم می‌رفتیم، اما گهگاهی تلفنی در تماس بودیم آخرین بار حدود یک سال و نیم قبل او را دیدم. بعد از آن دیگر خبری از او نداشتیم

گروه حوادث - پسر جوان که با فریب دختر دانش آموزی او را به داخل یک بوتیک کشاده و مورد تعرض قرار داده بود تحت تعقیب قرار گرفت. رسیدگی به این پرونده از اواخر هفته گذشته با شکایت دختر ۱۴ ساله‌ای به نام نازنین که به‌همراه پدرش به اداره پلیس آمده بود، آغاز شد. رسیدگی به شش‌هه یک دادگاه کیفری استان البرز اوسال شد و نازنین در رابطه با موضوع پرونده به قاضی گفت: سه ماه پیش در یکی از شبکه‌های اجتماعی با مهران آشنا شدم.

## نیاز مندیهای روزانه جزیره کیش

**استخدام خدمات مفقودی خرید و فروش و ...**

**مفقودی خدمات**

تلفن: ۴۴۴۲۴۹۹۹ - ۴۴۴۲۰۲۸۴ (۰۷۶) سایت: www.eghtesad-kish.ir

اصل کارت کیشوندی به شماره ۱۶۸۱۷۱۰۷ بنام داریا صفدری مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد

**فود فور کیش** سامانه آنلاین سفارش غذا از رستورانهای جزیره کیش وبسایت وبلیکیشن **www.F4k.ir**

اصل برگ سبز خودرو کیا اپتیما مدل ۲۰۱۸ به شماره پلاک ۲۲-۲۸۲۸ و شماره موتور ۶۰۱۶۱۷ و شماره شاسی ۵۱۹۴۷۰۴ رنگ سفید به نام شرکت دیاکو خودرو رانورد مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد

خدمات تأسیسات، آب، برق، فاضلاب و تعمیرات ساختمان (کلی و جزئی) با سابقه سال‌ها امور تأسیساتی در جزیره کیش کمالی ۰۹۳۴۷۶۸۲۰۵۴

کارت تردد فرودگاهی به شماره ۵۴۴۶ بنام فاطمه اکبرزاده کدپرسنلی ۹۷۰۰۶۶ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد

**نیاز مندیهای اقتصاد کیش** ۴۴۴۲۴۹۹۹ ۴۴۴۲۰۲۸۴

## عاقبت اعتماد دختر نوجوان به دوستی اینترنتی

مهران در او قفل و به من تعرض کرد. پس از اظهارات ششای نوجوان تحقیقات در خصوص شناسایی متهم آغاز و مشخص شد که او صاحب بوتیک مورد نظر نبوده و تنها به‌عنوان شاگرد در آنجا فعالیت می‌کرده و روز جمعه با توجه به خلوت بودن پاساژ به‌دلیل شیوع بیماری کرونا تا فرصت استفاده کرده و دختر نوجوان را مورد آزار و اذیت قرار داده است. قاضی پرونده پس از شنیدن اظهارات ششای دستور بازداشت متهم را صادر کرد.

او مدعی بود که صاحب یک بوتیک در یک مجتمع تجاری است و در مدت آشنایی مان به من علاقه‌مند شده و دوست دارد که همدیگر را از نزدیک ببینیم. با ملاقات حضوری مخالفت کردم تا اینکه بسا چرب زبانی‌های او قانع شدم که به محل کارم بروم. روز جمعسه به پدر و مادرم گفتم که با یکی از همکلاسی‌هایم قرار دارم و به این بهانه به محل قرار یعنی همان بوتیک مهران رفتم. چند دقیقه پس از ورود به مغازه

کرونا مبتلا شده باشد از این‌رو نازنین را به بیمارستان بردیم، اما در آنجا بود که فهمیدم بهم ریختگی و تب او ناشی از کرونا نبوده و او توسط فردی به‌نام مهران آنگفال شده و مورد تعرض قرار گرفته است و حالا از این جوان شکایت دارم. با ثبت این شکایت پرونده برای رسیدگی به شش‌هه یک دادگاه کیفری استان البرز اوسال شد و نازنین در رابطه با موضوع پرونده به قاضی گفت: سه ماه پیش در یکی از شبکه‌های اجتماعی با مهران آشنا شدم.

## زن گمشده در خانه سالمندان پیدا شد

گروه حوادث - زن میانسال که یک سال و نیم از خواهرش بی‌خبر بود پس از شکایت به پلیس او را در مرکز نگهداری سالمندان پیدا کرد. زن گمشده در خانه سالمندان پیدا شد. چندی قبل زن میانسالی به پلیس رفت و تا ناپدید شدن خواهرش خبر داد و گفت: خواهرم کارمند بازنشسته است و به تنهایی زندگی می‌کند. ما معمولاً کمتر به ملاقات هم می‌رفتیم، اما گهگاهی تلفنی در تماس بودیم آخرین بار حدود یک سال و نیم قبل او را دیدم. بعد از آن دیگر خبری از او نداشتیم

پروداختند. اما هیچ و نشانی از زن میانسال در دست نبود. بررسی‌ها برای یافتن بلبیس ادامه داشت تا اینکه روز گذشته مددکار یکی از مراکز نگهداری سالمندان با خواهر بلبیس تماس گرفت و راز ناپدید شدن زن میانسال را بر ملا کرد. او گفت: یک سال و نیم است که خواهرت را به مرکز ما منتقل کرده‌اند. اما چون او به‌خاطر یک تصادف حافظه و قدرت تکلمش را از دست داده بود از هویتش اطلاع نداشتیم. در این مدت خیلی سعی کردم که حافظه او برگردد، اما بی‌فایده بود.

گروه حوادث - زن میانسال که یک سال و نیم از خواهرش بی‌خبر بود پس از شکایت به پلیس او را در مرکز نگهداری سالمندان پیدا کرد. زن گمشده در خانه سالمندان پیدا شد. چندی قبل زن میانسالی به پلیس رفت و تا ناپدید شدن خواهرش خبر داد و گفت: خواهرم کارمند بازنشسته است و به تنهایی زندگی می‌کند. ما معمولاً کمتر به ملاقات هم می‌رفتیم، اما گهگاهی تلفنی در تماس بودیم آخرین بار حدود یک سال و نیم قبل او را دیدم. بعد از آن دیگر خبری از او نداشتیم

**ضد عفونی** اماکن قرنطینه‌ای، منازل مسکونی تجاری، اداری، پروژه‌ها و ... با مه پاش‌های سرد - فوری شماره تماس: ۰۹۳۴۷۶۹۷۳۵۷

**شرکت شان‌دیز کیش**

